



۲۰۲۲/۰۳/۲۱



خلیل الله معروفی

از "مهاجرین" تا "ماجرین"

بحث دستوری با "تحفه نروزی"

مانند بسا موارد دیگر اینجا هم بدواً ضرورت به شرح لغوی می‌افتد و من این شرح را برای کسانی تقدیم میکنم، که به "زبان و ساختمان و انکشاف آن" علاقه‌مند هستند:

"مهاجر" اسم فاعل از مصدر "مهاجره" یا "مهاجرت" است، که مصدر باب "مفاعله" میباشد. آن عزیزانی، که به "صرف عربی" علاقه گرفته اند، میدانند، که هر نوع مصدر عربی و بالخاصه "مصادر مزید ثلاثی"، از خود خواصی دارند؛ و خاصیت باب "مفاعله" عبارت از "مشارکت در فعل" است. مثال میزنم تا موضوع روشن گردد:

- "مکاتبه" در معنای "باهم کتابت کردن" یا "رد و بدل کردن نامه بین هم" است

- مناظره" در معنای "رد و بدل کردن نظر بین یکدیگر" است

- مناقصه" به معنای "در کم کردن قیمتها باهم رقابت ورزیدن" است

- "مذاکره" به معنای "تذکر دادن بین خود" یا "باهم از موضوع تذکر دادن" است

- "مشارکت؛ یعنی "باهم شریک شدن" "افغانستان آن لاین"

- "مخاصمه" یا "مخاصمت؛ یعنی "باهم دشمنی کردن" و یا "با یکدیگر خصومت ورزیدن"

و

نظر به همین خاصیت، "مهاجرت" در اصل ذات خود "باهم به هجرت پرداختن" است، که یک عمل "جمعی" و به اصطلاح مودکی و فیشنی، "دسته جمعی"، میباشد. پس "مهاجرت" کاریست، "جمعی"، که بین یک دسته از افراد اجتماع صورت میپذیرد؛ و وقتی "مهاجر" میگوئیم، مراد ما از "کسیست، که یکجای با افراد دیگر به هجرت روی آورده باشد"!!!

در عمل مگر چنین نیست و هرکس میتواند "به صورت منفرد" به هجرت پردازد، چنان، که همه روزه شاهد آنیم.

کلمه "مهاجر" در ذات خود "مفرد مذکر" است، که جمع عربی آن عبارت است از:

- "مهاجرون" در حالت فاعلی

- و "مهاجرین" در حالت مفعولی یا جری - "مفعول بالواسطه"

و همین "مهاجرین" است، که اینک بدون مدّ نظر گرفتن حالت صرفی آن، مدار اعتبار ما میباشد، که در ذات خود تنها و تنها به "مردان" اطلاق میگردد. و چون کلمه "مهاجرین"، جنس "زن" را در بر نمیگیرد، بهتر است، که کلمه

"مهاجر" را در زبان دری/فارسی به قاعدهٔ زبان خودما و با علامت "جمع دری/فارسی" جمع‌بندی کرده و کلمهٔ "مهاجران" را به کار بریم، که "مهاجرت زن و مرد" هر دو را دربر میگیرد....

بعد ازین تمهید "لغوی - صرفی" میرویم به یک اصطلاح قدیم کابلی؛ یعنی "ماجرین":

صد سال پیش و در دورهٔ زعامت "علیحضرت امان‌الله خان غازی"، تعداد کثیری از مردمان ماوراءالنهر و به اصطلاح شیرین دری خود ما - "پاردریا" - از سیطرهٔ روزافزون بلشویکها گریخته و به افغانستان پناه آوردند. در آن زمان بنیان اقتصادی دولت خوب نبود و "امان‌الله خان" تجویز گرفت، که مصارف "اعاشه و اباته" این مهاجران به عهدهٔ تاجران و سوداگران بزرگ گذاشته شود؛ که همینطور هم شد.

قسمی، که مادرکلان مرحوم قصه می‌کرد، به تعداد چهل نفر "مهاجر پاردریائی"، قسمت مرحوم "شیر محمد آرتی" - پدر "فقیرجان آرتی" و "محمی‌الدین آرتی" - رسیده بود، که تاجر بزرگ و بلکه سربرآورده‌ترین سوداگر زمان خود بود. مرحوم "شیر محمد آرتی"، که خود ساکن گذر "عاشقان و عارفان" کابل بود، مهاجران را در تعمیر مشهور به "کوتی سنگ"، و یا "کوتی سنگها" جای داده بود و به پرستاری و غمخواری ایشان میپرداخت. مادرکلان مرحوم - که خانم "مرحوم شیر محمد آرتی" بود - قصه می‌کرد، که:

"مهاجرین" همه روزه در ساعات عصر؛ یعنی - "دیگرانه" - با چپنهای کشال نمدین و با "کلاه دوشاخ" و به صورت یکجائی و "دسته‌جمعی" بیرون آمده و به گشت و گذار در دامان "کوه خواجه صفا" میپرداختند. این روش چنان ابهتی داشته است، که بعض کسان و خصوصاً "زنان" را به ترس و وا همه می‌انداخت. از همین روی اصطلاح "ماجرین" سر زبانها افتاد، که معادل بود با "هیكل ترسناک" و "هیولامانند" و به اصطلاح عام "بیلو" و "مادر آل" و "مادر آچه قلی" و نظائر آنها؛ و مادران بیچاره وقتی به تنگ می‌آمدند، اشتکهای خود را از "ماجرین" میترساندند؛ در حالی، که "ماجرین" چیز دیگر نبود، به جز از "مهاجرین"....

به یاد دارم، که در حدود هفتاد و پنج سال پیش، که کودک و طفل خردسال بودم، وقتی شوخی و شقیی ما از حد میگذشت، مادرکلان مرحوم ما را از "ماجرین" ترسانده و میگفت:

«اونه ماجرین آمد!!!»

و ما طفلان معصوم به مجرد شنیدن نام "ماجرین"، میترسیدیم و خود را در گوشه ای پُت می‌کردیم. مادرکلان مرحوم در حویلی بزرگی زندگانی می‌کرد، که در آن چندین عائله اقامت داشتند. از یادم نمیرود، که روزی شوخی ما از حد و اندازه گذشت و مادرکلان بیچاره ام چاره ای سنجید و به حيله ای توسل ورزید. به زن برادر خود، که مانند خودش "پیچه سفید" بود، یاد داد، که پوستینی را چپه بپوشد و در "تخت‌بام" ظاهر گردد. وی چنین کرد و مادرکلان همین، که ما را مخاطب ساخته گفت:

«اونه ماجرین آمد!!!»

ما بچه‌های شوخ و شقب به مجردی، که آن چهره هولناک و هیولامانند "پوستین‌پوش" را دیدیم، کم بود، که از ترس "شاشهٔ ما آو شوه"؛ به کنجی خزیدیم و دیگر چُل نکریم!!!

یاد روزگاران طفلی به خیر و یاد مهاجرین پاردریائی همچین!!!

نوروز و سال نو همه مبارک باشد!!!

(خليل الله معروفى - جرمنى - ۲۱ مارچ ۲۰۲۲ - نوروز ۱۴۰۱)



برای مطالب دیگر خلیل الله معروفی روی عکس کلیک کنید

